info@payamdaily.ir

نخستین روزنامه صبح البرز

پیام آشنا

شماره ۱۵۱۶
دوشنبه / ۱۸ آذر ۱۳۹۸
۱۲/ربیع الثانی/ ۱۴۴۱
09 /Dec/ 2019

صاحب امتیاز: موسسه همگامان اندیشه زمان
مدیرمسئول: محمود حیدری سردبیر: باهره حیدری
نشانی: کرج، بلوار تعاون، خیابان فرهنگ، جنب کانون گارشناسان، رسمی دادگستری کرده است، باید مشمول دریافت مالیات باشد. اشاره آنها به فروش‌های چند میلیاردی برخی آثار هنری تجسمی، فیلم‌ها، تئاترها، کنسرت‌ها و... است. اما استدلال موافقان معافیت مالیاتی هنرمندان آن است که عنوان «هنرمند» مصادیق بسیاری در جامعه دارد که قریب به اتفاق آنها حداقل‌های معیشتی و درآمدی دارند و بنابراین مالیات گرفتن از آنان به معنی دشوارتر کردن شرایط حداقلی زندگی آنان است.

در سال ۸۰ با اصلاح قانون مالیات‌های مستقیم تصمیم گرفته شد که هنرمندان عرصه‌های مختلف از پرداخت مالیات معاف شوند؛ اما در نهایت این تصمیم در پیچ و خم موضوعات مختلف اداری و... باقی ماند و اجرایی نشد. این عدم اجرا چندین سال به طول انجامید و در نهایت از سال ۹۳ دوباره قابلیت اجرایی پیدا کرد که ماحصل آن این بود که مجموعه‌ای از فعالان انتشاراتی، مطبوعاتی، قرآنی، فرهنگی، هنری و رسانه‌ای که دارای مجوز رسمی از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی هستند، مشمول مالیات با نرخ صفر درصد هستند؛ پیش از این بارها در همین صفحه بر لزوم شفاف‌سازی مناسبات مالی و اقتصادی در سپهر هنری و فرهنگی کشور تاکید شده است و از ضرورت شفاف شدن قراردادها، درآمدها و اوقافات مالی در روابط هنری سخن گفته‌ایم. به نظر می‌رسد تا زمانی که سازوکار دقیق و مطمئنی برای شفاف شدن این مناسبات ایجاد نشود، امکان اجرایی شدن قانون مالیات بر درآمد هنرمندان نیز منتفی است؛ زیرا در این صورت تنها ثمره چنین قانونی، پنهانی کردن پرداخت‌ها و کشف راه‌هایی برای دور زدن قانون خواهد بود. با این حال چنین ایده‌ای هنوز، موافقان و مخالفان خود را دارد.

موافقان

موافقان عموما کسانی هستند که سمت‌های اجرایی در ساختار حاکمیتی کشور دارند. البته شمار قابل توجهی از هنرمندان نیز در میان موافقان گرفتن مالیات از هنرمندان قرار دارند. محمدتقی رهبر، نماینده سابق مجلس و امام جمعه موقت اصفهان در این باره معتقد است: «اینکه کارگری با یک یا دو میلیون درآمد مالیات پرداخت کند و هنرمندان و بازیگران با درآمدهای میلیونی از پرداخت آن معاف باشند، یکی از مصادیق بی‌عدالتی است... در مقابل این موضوع مجلس به‌عنوان یک مرکز تصمیم‌گیری باید واکنش نشان دهد؛ مالیات برای هر کس به نسبت توانش باید پرداخت شود. بعضی از هنرمندان درآمدهای بسیار خوبی دارند و باید مالیات هم بپردازند.» البته درآمد کارگران با حقوق یک تا دو میلیون تومان از پرداخت مالیات معاف است. اکبر نبوی، کارشناس و منتقد سینما نیز در این باره معتقد است: به خود اتحجن‌ها و صنوفی که این شاخه‌های هنری دارند، مالیات تخصیص داده شود و این مالیات دریافت‌شده را هزینه گروه‌های کم درآمد کنند. اصل گرفتن مالیات درست است و همه باید مالیات پرداخت کنند. اما کسانی هستند که درآمد ندارند و دولت حتما باید به اینها توجه کند. در سینما شاغلانی وجود دارند که درآمد بسیار پایینی دارند و اگر دولت می‌خواهد این اقشار را حمایت کند، در دولت صندوقی تاسیس شود که مالیات اخذشده از گروه پردرآمد هنر را به گروه‌های کم درآمد و بی‌درآمد هنر پرداخت کنند.

مخالفان

مخالفان عمدتا هنرمندان هستند؛ اما در این میان چهره‌های مطرحی از کارشناسان و مسوولان اجرایی کشور نیز حضور دارند. امین زندگانی، بازیگر سینما نیز در این باره می‌گوید: در گذشته فقط بازیگران و کارگردانان از پرداخت مالیات معاف بودند و مابقی پرداخت می‌کردند که بعدا دفاتر فرهنگی و غیره نیز به این گروه اضافه شدند. در قانون هم آمده است به مشاغلی که ارزش افزوده به آنها تعلق نمی‌گیرد، مالیات تعلق نمی‌گیرد. حالا برخی از این ابزار بهره‌برداری سیاسی می‌کنند. روز گذشته نیز خانه تئاتر درخصوص لغو معافیت مالیاتی هنرمندان و مسائل پیرامون آن بیانیه‌ای منتشر کرد و نوشت: «برخی با دروغ و بزرگ‌نمایی در تلاش هستند تا با ساختن تصویری مموج و بیمارگونه از هنرمندان این سرزمین و دوغ‌پردازی درباره اهل هنر در رسانه‌های مجازی، به رابطه تاریخی هنرمند و مردم لطمه بزنند؛ گویی هنرمندان جماعتی هستند جدای از ملت و بهره‌مند از امتیازی ویـژه و غرق در ناز و نعمت. حال آنکه هنرمندان -به ویژه هنرمندان تئاتر- به سادگی بخشی از همین مردمانند؛ با حداقل امنیت شغلی و فشارهای بی‌شمار. نمی‌دانیم به‌عنوان یک هنرمند تئاتر کارمندیم یا کارگر؟ نمی‌دانیم در این سال‌ها تحت کدام نظام‌های حمایتی بوده‌ایم؟ نمی‌دانیم طبقه و رتبه‌بندی حرفه ما چیست؟ حتی هنوز مطمئن نیستیم که آیا حرفه ما به‌عنوان یک شغل در ساختار اداری وزارت کار ثبت شده است؟»

از تمام خوانندگان پیام آشنا می خواهیم، یکی از مهم ترین مشکلاتی که در محله ی زندگی خود یا آن دست به گریبان هستید برایمان پیامک کنید تا در ستون «پیامک های وارده» با نام تان-در صورت تمایل- منتشر شود.

SMS
۳۰۰۰۹۸۰۲۶۰۰۲۰۰

امروز با حافظ

در اوج ناز و نعمتی ای پادشاه حسن
یا رب مباد تا به قیامت زوال تو
مطبوع تر ز نقش تو صورت نبست باز
طغرانویس ابروی مشکین مثال تو

خوانش

به دل گفتم ز چشمانش بپرهیز
که هشیاران نیاویزند با مست
نه آزاد از سرش بر می توان خاست
نه با او می توان آسوده بنشست

سعدی

اوقات شرعی فردا

اذان صبح	طلوع آفتاب	اذان ظهر	غروب آفتاب	اذان مغرب
۰۵:۳۳	۰۷:۰۴	۱۲:۰۰	۱۶:۵۴	۱۷:۱۳

برگه

زندگی کشف خود نیست، ساختن خود است.

جرج برناردشاو

خبر

برنده سومین جایزه وردپرس فوتو در سال ۲۰۱۹ در بخش محیط زیست

تصویر کودکی که مواد بازیافتی را از میان زباله‌ها جمع‌آوری می‌کند و روی تشکی در میان زباله‌های شناور در رودخانه پاسیگ در فیلیپین دراز کشیده است.

به گزارش پیام آشنا به نقل از ایسنا رودخانه «پاسیگ» سال‌هاست که از نظر بیولوژیک مرده است. «پاسیگ» که حالا یکی از ۲۰ رودخانه آلوده جهان شناخته می‌شود، امروز دستمایه خلق آثار هنری توسط عکاسان شده است.

یکی از تصاویر برگزیده وردپرس فوتو در سال ۲۰۱۹ و در بخش محیط زیست تصویری از کودکی است که مواد بازیافتی را از میان زباله‌ها جمع‌آوری می‌کند. این عکس کودکی را نشان می‌دهد که روی تشکی در میان زباله‌های شناور در رودخانه پاسیگ در فیلیپین دراز کشیده است.

پس از جنگ جهانی دوم و با رشد گسترده جمعیت، فعالیت‌های اقتصادی پراکنده‌ای در حومه رود «پاسیگ» شکل گرفت؛ رودی که به خلیج مانیل می‌ریزد و از کشور فیلیپین می‌گذرد. کارخانه‌های بزرگ این منبع طبیعی را نادیده گرفتند و پسماندهای صنعتی خود را روانه «پاسیگ» کردند و یک سیستم فاضلاب عظیم را شکل دادند.

اوایل دهه ۱۹۳۰ کارشناسان متوجه آلودگی فزاینده رودخانه شدند و حمل و نقل کشتی‌ها در این رودخانه به شدت کاهش یافت. بوی نامطبوعی از رودخانه بلند شد و در نهایت در دهه ۱۹۹۰ از نظر بیولوژیک مرد.

با گسترش فقر در مناطق روستایی فیلیپین، افرادی به حاشیه رودخانه مهاجرت کردند و «پاسیگ» تبدیل یک زمین زباله برای مهاجران شد.

طی سال‌های اخیر که تلاش‌های زیادی برای احیای این رودخانه انجام شد و تبلیغات گسترده‌ای در این راستا شکل گرفت، در نهایت در سال ۲۰۱۸ دوباره زندگی برخی آبزیان در رودخانه پاسیگ شکل گرفت اما همچنان روزانه چند صد تن زباله به این رودخانه ریخته می‌شود.

یکی از تصاویر مشهور ثبت شده از این رود، تصویری است که توسط «ماریو کروز» عکاس خبری ثبت شده و توانسته برنده جایزه سوم در بخش محیط زیست «وردپرس فوتو» ۲۰۱۹ شود.

عکس «ماریو کروز» تصویر کودکی را نشان می‌دهد که مواد بازیافتی را از میان زباله‌ها جمع می‌کند و روی تشکی در میان زباله‌های شناور بر رودخانه پاسیگ دراز کشیده است. این عکس در واقع عمق فاجعه از پاسیگ را به تصویر می‌کشد. این رودخانه یکی از ۲۰ رودخانه اول آلوده جهان است که هر ساله ۶۳ هزار و ۷۰۰ تن پلاستیک وارد اقیانوس می‌کند. حجم زباله در پاسیگ آنقدر زیاد است که می‌توان به آسانی روی آنها پیاده‌روی کرد.

سفرنامه مارکوپولوی کرج

پاریس دوستت دارم (بخش آخر)

ملاقات با گوژپشت پاریس، "بعد از غروب"

مهدی عیدی - سومین ایستگاه توقف در فاصله ۴۵۰ متری بود؛ برج سنت ژاک (سنت جیمز) Saint-Jacques Tower در منطقه چهار. برج گوتیک ۵۲ متری که تنها باقی‌مانده کلیسای سده شانزدهمی سن-ژاک لا بوچری (سنت جیمز قصابها) بود که در ۱۷۹۷ و طی انقلاب فرانسه ویران شده بود، برجی که در سال ۱۹۹۸ به عنوان یک قسمت از راه سنت جیمز Way of St. James) در میراث جهانی یونسکو به ثبت رسیده بود. برج در محله اِل آل، جایی که بزرگترین ایستگاه مترو دنیا در آن قرار داشت، قرار گرفته بود.

در مورد کلیسای سانتیاگو د کامپوستلا قبلا خوانده بودم؛ کلیسایی که به عنوان مقصد اصلی پیروان "راه سنت جیمز" که یک مسیر مهم زیارتی در سال های قرون وسطی بود شناخته می شد. پیروانش از تمام اروپا و با پای پیاده به سمتش می روند و راهنمای مسیرشان صدف ها هستند و این برج سالیان سال یکه و تنها سر جایش مانده بود تا زائران مسیر را گم نکنند.

پیروان این راه برای رسیدن به مقصدشان روزها در راه هستند، تجربه این کار را به شکل دیگر داشتم؛ روزها پیاده روی در دل طبیعت تا رسیدن به مقصد در باران و گرما وقتی هدف داشته باشی دشواری راه به چشم نمی آید به این فکر می کردم که تا به حال چند هزار نفر در طول این مسیر در کنار این برج در جایی که من نشسته ام، بوده اند و شب را به صبح رسانده اند. در آن بعد از ظهر من هم گام در مسیر سنت جیمز گذاشته بودم ولی با هدف و تفکری متفاوت.

قبل از حرکت به سمت ایستگاه بعد در ۲۰ متر آن طرف تر از برج مرد مسلمانی را دیدم که در گوشه ای مشغول عبادت بود. نمی دانم چنین صحنه ای چند بار در اینجا تکرار شده بود. خوش شانس بودم که این دو منظره را در کنار هم و در آن شرایط می دیدم. توقف بعد ۷۵۰ متر آن طرف تر بود در جلوی ساختمان شهرداری (Hôtel de Ville) بود.

ایستگاه پنجم ساختمان شهرداری پاریس بود. ساختمانی که به نظر من زیبایی دیگر عمارت های شهرداری اروپا را ندارد و فقط توقفی کوتاه آنجا داشتم.

به رود سن (Seine) رسیده بودم شریان اصلی زندگی در پاریس هر جا رود پر آبی باشد زندگی مفهوم دیگری دارد. طول ۷۷۷ کیلومتری اش با سه ۷ که عدد مقدس در تمام فرهنگ هاست و شاید خوش یمنی این سه هفت است که پاریس این قدر مورد توجه توریست هاست.

رود سن ۳۷ پل دارد و هر کدام از این پل ها داستان تاریخی خود را دارند. قدیمی ترین پل (پونت نئوف که به معنای پل جدید) است و شاید معروف ترین آن ها پل عشاق یا هزاران قفل روی آن. پلی که عشاق قفل های عشقشان را روی آن می بندند و کلیدش را به رود سن به امانت می سپارند تا عشقشان جاودان بماند. ولی مسیر من به ابتدای پل Pont d'Arcole ختم می شد.

روی این پل هم مثل دیگر پل های پاریس پر بود از آوازخوان هایی که سبک های مختلف موسیقی را می نواختند و می خواندند و من فرصت نداشتم تا کنار تک تک آن ها باشم و به صدایشان گوش کنم. برای دیدن نوتردام اشتیاق داشتم. می خواستم هر چه سریع تر به کلیسا برسم و ناقوس هایش را به صدا در آورم و مثل کارگردان های فیلم پاریس دوستت دارم، فریاد بزنم پاریس من هم دوستت دارم.

هوا خنک شده بود و حالا پاریس داشت از شبش برای من رونمایی می کرد و قدم زدن در پاریس داشت شکل دیگری می گرفت. به ایل دولاسیته Ile de la Cité (جزیره شهر) رسیدم. یکی از دوجزیره رود سن در پاریس، نام جزیره دوم ایل سن لویی Ile Saint-Louis است که به افتخار لویی پادشاه فرانسه به این نام خوانده می شود. دو جزیره در کنار هم و از بالا به شکل کشتی بر روی آب سن هستند.

برخی باورها بر این است که در ۵۲ سال قبل از میلاد، مسیح و در دوران جنگ ها و لشگری کشی های ژولیوس سزار قوم کوچکی در این جزیره زندگی می کرده اند و چون دسترسی به این جزیره در آن زمان دشوار بوده امنیت بالایی داشته و سکونت در پاریس از همین جزیره آغاز شده است.

کلیسای نوتردام (Notre Dame Cathedral)

از معدود لغات فرانسه که می دانستم معنای نوتردام بود که می شد بانوی ما در اروپا کلیساهای زیادی با نام بانوی ما وجود دارد که با نام شهر از هم تفکیک می شوند. ولی اصلی ترین کلیسا در دل پاریس قرار داشت. به روبروی کلیسا رفتم. چشم در چشم ۲۸ مجسمه بالای در ورودی و بین دو برج ۶۹ متری ایستادم و تمام صحنه های که از قبل در خیالم با فیلم ها و داستان هایش داشتم مرور کردم. اولین جرقه های شناخت کلیسای نتردام برای من با دیدن فیلم گوژپشت نتردام که در سال ۱۹۵۶ (خیلی قبل تر از اینکه متولد شوم) ساخته شده، شکل گرفته بود. این فیلم اولین نسخه رنگی اقتباس شده از این رمان بود. از آن زمان بود که می خواستم نتردام را ببینم و حالا اینجا بودم در کنار یکی از اولین کلیساهایی که به سبک گوتیک ساخته شده بود. کلیسایی که تا مدت ها بزرگترین کلیسای اروپا بود. ولی امروز نه تنها در اروپا بلکه در فرانسه هم مقام اولی خود را از دست داده شاید بیشتر از هر کسی در دنیا این کلیسا برای ناپلئون بناپارت خاص باشد چرا که تاج گذاری اش در این کلیسا بوده.

تعداد افرادی در طول ۲۰۰ سال در ساخت کلیسا مشارکت داشتند مشخص نیست؛ از کشیش ها و معماران تا مجسمه سازان و مردمی که برای ساختش مالیات داده بودند. ولی ویکتور هوگو با نوشتن کتابش در مورد نوتردام این کلیسا را برای همیشه جاودان کرد.

از سال ۱۹۱۱ تا امروز هفت اثر سینمایی، یک سریال و یک انیمیشن از رمان گوژپشت نتردام ساخته شده است. البته آمار دقیق احتمالا بیشتر است. در هنگام انتشار کتاب در سال ۱۸۳۱ کلیسای در حال تخریب بود. اما ۱۰ سال بعد از انتشار کتاب تصمیم به بازسازی گرفته شد و این بازسازی ۲۳ سال طول کشید. همین آمار و ارقام باعث شده سالانه بین ۱۲ تا ۱۳ میلیون نفر از این کلیسا بازدید داشته باشند.

شب بود و امکان بازدید از داخل کلیسا را در آن لحظه نداشتم. در کنار شلوغی جمعیت و نمایش های اطراف کلیسا طول و عرض ۴۸ -۱۳۰ متری اش را قدم زدم. عکس هایم را گرفتم و در انتها ناقوس ها را به نشانه رسیدن به هدفم به صدا در آوردم و حالا نوبت برگشت به محل اقامتم ولی این بار با مترو بود.

بهترین زمان برای گوش دادن به موزیک Parisian walkway از گری مور. هدفون را در گوشم گذاشتم، دکمه پلی را زدم و به قدم زدن پرداختم.

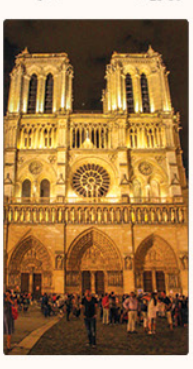

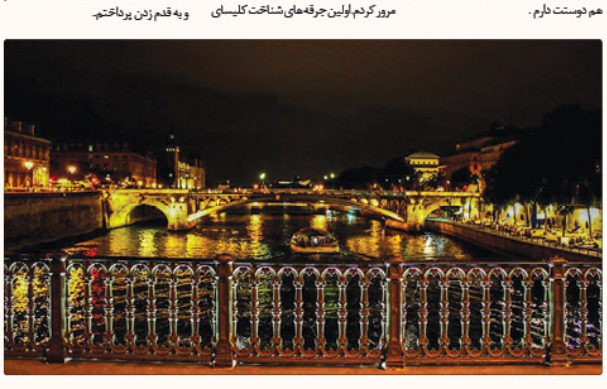

با شعرای کرج

ترنم باران

تو
روشنی چشم هایم
ترنم بارانی
در هجوم تنهایی
انرژی مثبت گام هایم تویی
نفس می کشم
به هوای تو
جریان دارم
به خاطر تو
بر وفق مراد است
زندگی با تو
نگران لحظه های بی تو بودنم
مهمان لبخندت کن مرا

بهروز قاسمی (رها)

قاب سبز

بال هایم جوانه زده

چیزی در پشت استخوان های شانه ام زور می زند و قصد رشد دارد. مثل یک پیچک بلند که ریشه اش ریشه درخت انار است. در لوله های سبز و تنگ و ترش پرخونم با دارد و از امتداد سینه ام رشد می کند. زور می زند مثل درد اولین دندان عقلم که هیچ رسوخی در عقلم نداشت؛ اما این یکی رسوخ در عقل که هیچ. دقیقا از قلبم شروع می شود و عاقبت از شانه هایم بیرون می زند و از سرم هم بالاتر می رود. هیچ شباهتی به بال فرشتگان ندارد. حتی رنگش!

دو جفت سیاه سفت رنگ نپریده

به شمایل بال کلاغ که حتی تحمل وزنم را ندارد و به حتم میان راه این سفر دراز، مرا به زمین گرم می کوبد و قرشته های امدادی باید به دادم برسند و کولم کنند و به مقصد برسانندم. این بار قطعا جدی است و نمایش نیست.

رشد سریعشان خبر از این می دهد که به قوت شمع چهل و سه سالگیم نمی رسم و در پایان نمایش و اقتدان پرده این هنرپیشه مرده دیگر بلند نمی شود و برای تماشاچیان تعظیم نمی کند تا اعلام کند که فلانی فلان فلان شده هستم در نقش مرد مرده! این بار این مرد، واقعا مرده!

بال هایم جوانه زده است و هر آن پوستم را پاره می کند و آن قدر رشد می کند تا نگذارد که به صبح برسم.

کاش تو بودی و از پشت بغلم میگردی، تا شاید درد این عضو جدیدنا خواسته کمتر بود.

ریحان ستوده

خبرچه

تئاتر شهر؛ میزبان معلولان

چهار گروه طی ۱۶ اجرا از روز شنبه تا سه شنبه ۱۹ آذر در محوطه مجموعه تئاتر شهر به مناسبت هفته معلول میزبان علاقه‌مندان هستند.

به گزارش پیام آشنا به نقل از روابط عمومی اداره کل هنرهای نمایشی، سومین ویژه‌برنامه مشترک اداره کل هنرهای نمایشی و شهرداری منطقه ۱۱ به مناسبت هفته معلولان در بهنه فرهنگی و هنری رودکی برگزار می‌شود. برای اجرای برنامه‌های مشترک اداره کل هنرهای نمایشی و شهرداری منطقه ۱۱ با هدف ایجاد نشاط اجتماعی نمایش‌هایی خیابانی از روز شنبه ۱۶ آذر تا سه‌شنبه ۱۹ آذر در محوطه مجموعه تئاتر شهر اجرا می‌شود.

در این رویداد ۴ گروه نمایشی حضور دارند و به مناسبت هفته معلولان با موضوعاتی چون معضلات این قشر از جامعه با مشارکت، همراهی و هنرنمایی هنرمندان کم‌توان در طول ۴ روز با ۸ نمایش، در قالب ۱۶ اجرا از ساعت ۱۵ تا ۱۷ میزبان علاقه‌مندان به تئاتر خیابانی می‌شوند. گروه هنرمندان مبتلا به سندرم دئون با ۴ نمایش به نام‌های «کفش بلور»، «جترت را زمین نگذار»، «ما همه آدم هستیم» و «آرزوهای آبی» به نویسندگی و کارگردانی رسول حق‌شناس از تهران در کنار مجتبا خلیلی از اصفهان با نمایش «به یک اتفاق ساده نیاز مندیم»، بهاره سعیدی کیا از کرمانشاه با نمایش «شما هم امتحان کنید» و اقدس قاسمی از تهران با نمایش‌های «چند الف، ماده هفت قانون معلولان» و «آیا من هم حقی دارم» به اجرای آثار خود می‌پردازند.

بریده جراید

فراز و نشیب درآمد و مالیات در بازار هنر

دنیای اقتصاد- طی نزدیک به یک ماه گذشته معافیت مالیاتی هنرمندان بیش از هر موضوع دیگری فضای فرهنگی رسانه‌ها را به خود اختصاص داده است. موافقان و مخالفان هر روز در رسانه‌ها، با آب و تاب بسیاری از استدلال‌های خود دفاع می‌کنند و این اتفاق باعث شده است تا بحث در سایه‌روش‌های بسیاری، گاه واضح و گاه مبهم شود.

مخالفان معاف شدن هنرمندان از مالیات عقیده دارند که افزایش فروش در بازارهای هنری از جمله تئاتر، هنرهای تجسمی، موسیقی و سینما که درآمدهای بسیاری را نصیب سازندگان و هنرمندان آن کرده است، باید مشمول دریافت مالیات باشد. اشاره آنها به فروش‌های چند میلیاردی برخی آثار هنری تجسمی، فیلم‌ها، تئاترها، کنسرت‌ها و... است. اما استدلال موافقان معافیت مالیاتی هنرمندان آن است که عنوان «هنرمند» مصادیق بسیاری در جامعه دارد که قریب به اتفاق آنها حداقل‌های معیشتی و درآمدی دارند و بنابراین مالیات گرفتن از آنان به معنی دشوارتر کردن شرایط حداقلی زندگی آنان است.

در سال ۸۰ با اصلاح قانون مالیات‌های مستقیم تصمیم گرفته شد که هنرمندان عرصه‌های مختلف از پرداخت مالیات معاف شوند؛ اما در نهایت این تصمیم در پیچ و خم موضوعات مختلف اداری و... باقی ماند و اجرایی نشد. این عدم اجرا چندین سال به طول انجامید و در نهایت از سال ۹۳ دوباره قابلیت اجرایی پیدا کرد که ماحصل آن این بود که مجموعه‌ای از فعالان انتشاراتی، مطبوعاتی، قرآنی، فرهنگی، هنری و رسانه‌ای که دارای مجوز رسمی از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی هستند، مشمول مالیات با نرخ صفر درصد هستند؛ پیش از این بارها در همین صفحه بر لزوم شفاف‌سازی مناسبات مالی و اقتصادی در سپهر هنری و فرهنگی کشور تاکید شده است و از ضرورت شفاف شدن قراردادها، درآمدها و اوقافات مالی در روابط هنری سخن گفته‌ایم. به نظر می‌رسد تا زمانی که سازوکار دقیق و مطمئنی برای شفاف شدن این مناسبات ایجاد نشود، امکان اجرایی شدن قانون مالیات بر درآمد هنرمندان نیز منتفی است؛ زیرا در این صورت تنها ثمره چنین قانونی، پنهانی کردن پرداخت‌ها و کشف راه‌هایی برای دور زدن قانون خواهد بود. با این حال چنین ایده‌ای هنوز، موافقان و مخالفان خود را دارد.

موافقان

موافقان عموما کسانی هستند که سمت‌های اجرایی در ساختار حاکمیتی کشور دارند. البته شمار قابل توجهی از هنرمندان نیز در میان موافقان گرفتن مالیات از هنرمندان قرار دارند. محمدتقی رهبر، نماینده سابق مجلس و امام جمعه موقت اصفهان در این باره معتقد است: «اینکه کارگری با یک یا دو میلیون درآمد مالیات پرداخت کند و هنرمندان و بازیگران با درآمدهای میلیونی از پرداخت آن معاف باشند، یکی از مصادیق بی‌عدالتی است... در مقابل این موضوع مجلس به‌عنوان یک مرکز تصمیم‌گیری باید واکنش نشان دهد؛ مالیات برای هر کس به نسبت توانش باید پرداخت شود. بعضی از هنرمندان درآمدهای بسیار خوبی دارند و باید مالیات هم بپردازند.» البته درآمد کارگران با حقوق یک تا دو میلیون تومان از پرداخت مالیات معاف است. اکبر نبوی، کارشناس و منتقد سینما نیز در این باره معتقد است: به خود اتحجن‌ها و صنوفی که این شاخه‌های هنری دارند، مالیات تخصیص داده شود و این مالیات دریافت‌شده را هزینه گروه‌های کم درآمد کنند. اصل گرفتن مالیات درست است و همه باید مالیات پرداخت کنند. اما کسانی هستند که درآمد ندارند و دولت حتما باید به اینها توجه کند. در سینما شاغلانی وجود دارند که درآمد بسیار پایینی دارند و اگر دولت می‌خواهد این اقشار را حمایت کند، در دولت صندوقی تاسیس شود که مالیات اخذشده از گروه پردرآمد هنر را به گروه‌های کم درآمد و بی‌درآمد هنر پرداخت کنند.

مخالفان

مخالفان عمدتا هنرمندان هستند؛ اما در این میان چهره‌های مطرحی از کارشناسان و مسوولان اجرایی کشور نیز حضور دارند. امین زندگانی، بازیگر سینما نیز در این باره می‌گوید: در گذشته فقط بازیگران و کارگردانان از پرداخت مالیات معاف بودند و مابقی پرداخت می‌کردند که بعدا دفاتر فرهنگی و غیره نیز به این گروه اضافه شدند. در قانون هم آمده است به مشاغلی که ارزش افزوده به آنها تعلق نمی‌گیرد، مالیات تعلق نمی‌گیرد. حالا برخی از این ابزار بهره‌برداری سیاسی می‌کنند. روز گذشته نیز خانه تئاتر درخصوص لغو معافیت مالیاتی هنرمندان و مسائل پیرامون آن بیانیه‌ای منتشر کرد و نوشت: «برخی با دروغ و بزرگ‌نمایی در تلاش هستند تا با ساختن تصویری مموج و بیمارگونه از هنرمندان این سرزمین و دوغ‌پردازی درباره اهل هنر در رسانه‌های مجازی، به رابطه تاریخی هنرمند و مردم لطمه بزنند؛ گویی هنرمندان جماعتی هستند جدای از ملت و بهره‌مند از امتیازی ویـژه و غرق در ناز و نعمت. حال آنکه هنرمندان -به ویژه هنرمندان تئاتر- به سادگی بخشی از همین مردمانند؛ با حداقل امنیت شغلی و فشارهای بی‌شمار. نمی‌دانیم به‌عنوان یک هنرمند تئاتر کارمندیم یا کارگر؟ نمی‌دانیم در این سال‌ها تحت کدام نظام‌های حمایتی بوده‌ایم؟ نمی‌دانیم طبقه و رتبه‌بندی حرفه ما چیست؟ حتی هنوز مطمئن نیستیم که آیا حرفه ما به‌عنوان یک شغل در ساختار اداری وزارت کار ثبت شده است؟»